



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

پرتوی از سیره و سیمای

امام محمد باقر علیه السلام

یا محمد
رسول الله
علیه السلام

محمد تیجانی سماوی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پرتوی از سیره و سیمای امام محمد باقر علیه السلام

نویسنده:

مسعود شفیعی کیا

ناشر چاپی:

محمد تیجانی سماوی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۸	پرتوی از سیره و سیمای امام محمد باقر
۸	مشخصات کتاب
۸	زندگینامه
۸	امام باقر و خلفای جور
۹	فضل و دانش امام باقر
۹	امام و مسابقه تیراندازی
۱۰	چهل حدیث
۱۰	اشاره
۱۰	نافرجام و خوش انجام
۱۰	بهترین فضیلت و برترین جهاد
۱۰	استقامت بزرگ
۱۰	پذیرش سخن پاک
۱۰	زیبایی حلم با علم
۱۱	کمال جامع انسانی
۱۱	سه خصلت نیکو
۱۱	اصرار در دعا
۱۱	فضیلت عالم بر عابد
۱۱	دو خصلت عالم
۱۱	سه پاداش
۱۱	پرهیز از کسالت
۱۱	بدترین حسرت در روز قیامت
۱۲	نتایج صله رحم

- ۱۲ نیکو گفتاری با دیگران
- ۱۲ هدیه الهی
- ۱۲ راستگویی و ادای امانت
- ۱۲ تعریف غیبت و بهتان
- ۱۲ دشنام گو، مبعوض خداست
- ۱۲ نشانه های تواضع
- ۱۲ پاکدامنی، بهترین عبادت
- ۱۳ نشانه شیعه واقعی
- ۱۳ ریشه گناه، نشناختن خداست
- ۱۳ عقل، بهترین مخلوق الهی
- ۱۳ بر اساس عقل
- ۱۳ مزد معلم و متعلم
- ۱۳ گناه فتوا دهنده بی دانش
- ۱۳ عالمان دوزخی
- ۱۴ سرنگونان جهنمی
- ۱۴ غیر خدا را تکیه گاه نگیرید
- ۱۴ نشانه های فقیه پارسا
- ۱۴ شوخی بدون فحش
- ۱۴ عذاب زودرس سه خصلت
- ۱۴ مطلوب خدا
- ۱۴ پافشاری در دعا
- ۱۴ دعا کردن در سحر
- ۱۵ دعا برای دیگران
- ۱۵ چشم هایی که نمی گریند

۱۵ حریص همچون کرم ابریشم

۱۵ دو رویی و دو زبانی

۱۵ درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

پرتوی از سیره و سیمای امام محمد باقر

مشخصات کتاب

مؤلف: محمد تیجانی سماوی

زندگینامه

حضرت امام محمد باقر (علیه السلام) اوّل ماه رجب، یا سوم صفر سال ۵۷ هجری قمری در مدینه متولّد گردید. پدر بزرگوارش، حضرت علی بن الحسین، زین العابدین (علیه السلام)، و مادر مکرمه اش، فاطمه معروف به «امّ عبدالله» دختر امام حسن مجتبی می باشد. از این رو، آن حضرت از ناحیه ی پدر و مادر به بنی هاشم منسوب است. شهادت امام باقر (علیه السلام) در روز دوشنبه ۷ ذیحجه سال ۱۱۴ هجری قمری در ۵۷ سالگی، به دستور هشام بن عبدالملک خلیفه اموی، به وسیله خورانندن سمّ، اتفاق افتاد و مزار شریفش در مدینه در قبرستان بقیع می باشد. آن حضرت یکی از اطفال اسیر فاجعه ی کربلا می باشد که در آن وقت سه سال و شش ماه و ده روز از سنّ مبارکش گذشته بود. حضرت باقر (علیه السلام) به علم و دانش و فضیلت و تقوا معروف بود و پیوسته مرجع حلّ مشکلات علمی مسلمانان به شمار می رفت. وجود امام محمد باقر (علیه السلام) مقدمه ای بود برای اقدام به وظایف دگرگون سازی امت. زیرا مردم، او را نشانه های فرزند کسانی می شناختند که جان خود را فدا کردند تا موج انحراف - که نزدیک بود نشانه های اسلام را از میان ببرد - متوقف گردد. آنان از این رو قربانی شدند تا مسلمانان بدانند که حکامی که به نام اسلام حکومت می کنند، از تطبیق اسلام با واقعیت آن به اندازه ای دوراند که مفاهیم کتاب خدا و سنّت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) در یک طرف قرار دارد و آن حاکمان منحرف در طرف دیگر. امام باقر (علیه السلام) بر آن شد تا انحراف حاکمان و دوری آنان از حقایق اسلام را به مردم بفهماند و برای مسلمانان آشکار سازد که چنان اموری تحقق یافته است. هشام بن عبدالملک خلیفه نابکار اموی وقتی به امام (علیه السلام) اشارت می کند و می پرسد که این شخص کیست؟ به او می گویند او کسی است که مردم کوفه شیفته و مفتون اویند. این شخص، امام عراق است. در موسم حجّ، از عراق و خراسان و دیگر شهرها، هزاران مسلمان از او فتوا می خواستند و از هرباب از معارف اسلام از او می پرسیدند. این امر اندازه نفوذ وسیع او را در قلوب توده های مردم نشان می داد. از سوی فقیهان بزرگ که وابسته به حوزه های فکری و علمی بودند، مسائل دشوار در محضر او مطرح می شد و گفتگوهای بسیار با امام به عمل می آمد، از او پاسخ می خواستند تا امام را در تنگنا قرار دهند و در مقابل مردم او را به خاموشی وادارند، ولی آن حضرت با پاسخ های قانع کننده و مستدلّ و محکم خود آنان را به اعجاب وامی داشت. حوزه علمی او برای صدها دانشمند و محدّث که تربیت کرده بود پایگاهی مهمّ به شمار می آمد. جابر جعفی گوید: «ابوجعفر هفتاد هزار حدیث برای من روایت کرد.» و محمد بن مسلم گوید: «هر مسئله که در نظرم دشوار می نمود از ابوجعفر (علیه السلام) می پرسیدم تا جایی که سی هزار حدیث از او سؤال کردم.» امام باقر (علیه السلام) شیعیان خود را چنین وصف می کند: «همانا شیعه ما، شیعه علی، با دست و دل گشاده و از سر گشاده دستی و بی ریایی از ما طرفداری می کنند و برای زنده نگاه داشتن دین، متحد و پشتیبان ما هستند. اگر خشمگین گردند، ستم نمی کنند و اگر خرسند باشند از اندازه نمی گذرند. برای آن کس که همسایه ی آنان باشد برکت دارند و با هر کس که با آنان مخالف باشد طریق مسالمت پیش می گیرند. و شیعه ما اطاعت خدا می کند.»

امام باقر و خلفای جور

امام باقر(علیه السلام) با پنج خلیفه از خلفای بنی امیه معاصر بود که عبارتند از: ۱- ولید بن عبدالملک ۲- سلیمان بن عبدالملک ۳- عمر بن عبدالعزیز ۴- یزید بن عبدالملک ۵- هشام بن عبدالملک. و همه آنان جز عمر بن عبدالعزیز در ستمگری و استبداد و خودکامگی دست کمی از نیاکان خود نداشتند و پیوسته برای امام باقر(علیه السلام) مشکلاتی فراهم می نمودند. ولی در عین حال، او از طریق تعلیم و تربیت، جنبشی علمی به وجود آورد و مقدمات تأسیس یک مرکز علمی اسلامی را در دوران امامت خود پی ریزی کرد که در زمان فرزند بزرگوارش امام جعفر صادق(علیه السلام) به نتیجه کامل رسید. روش کار پیشوایان ما به ویژه امام سجّاد و امام باقر(علیهم السلام) که در اوضاع فشار و خفقان به سر می بردند به شیوه مخفی و زیرزمینی بود، شیوه ای که موجب می شد کسی از کارهای آنان مطلع نشود. همین کارهای پنهانی، گاهی که آشکار می شد، خلفا را سخت عصبانی می نمود در نتیجه، وسایل تبعید و زندانی آنها فراهم می شد. سرانجام، امام باقر(علیه السلام) که پیوسته مورد خشم و غضب خلیفه وقت، هشام بن عبدالملک بود، به وسیله ی ایادی او مسموم شد و در سال ۱۱۴ هجری به شهادت رسید. جنازه آن بزرگوار، کنار قبر پدر بزرگوارش، در قبرستان بقیع، به خاک سپرده شد.

فضل و دانش امام باقر

امام محمد باقر(علیه السلام) در دوران امامت خود، به نشر و پخش معارف دین به ویژه فقه و احکام اسلامی پرداخت و ضمن حل مشکلات علمی به تعلیم و تربیت شاگردانی فاضل و آگاه مانند: محمد بن مسلم، زراره بن اعین، ابونصیر، هشام بن سالم و جابر بن یزید و حران بن اعین و بُرید بن معاویه عجللی، همت گماشت. آن حضرت در فضل و فضیلت، زهد و تقوا، اخلاق و معاشرت، سر آمد بزرگان بنی هاشم در عصر خود بود. آوازه علوم و دانش او چنان اطراف و اکناف پیچیده بود که ملقب به باقرالعلوم یعنی شکافنده دانش ها گردید. یکی از علمای بزرگ سنی به نام ابن حجر هیتمی درباره ی او می نویسد: «محمد باقر به اندازه ای گنج های پنهان معارف و دانش ها را آشکار ساخته، حقایق احکام و حکمت ها و لطایف دانشها را بیان نموده که جز بر عناصر بی بصیرت یا بد سیرت پوشیده نیست و از همین جاست که وی را شکافنده دانش و جامع علوم و برافروزنده پرچم دانش خوانده اند.» عبدالله بن عطا یکی از شخصیت های علمی زمان امام، می گوید: «من هرگز دانشمندان اسلام را در هیچ محفل و مجمعی به اندازه محفل محمد بن علی(علیه السلام) از نظر علمی حقیر و کوچک ندیدم.» امام باقر(علیه السلام) در سخنان خود، اغلب به آیات قرآن کریم استناد می نموده و از کلام خدا شاهد می آورده و فرموده است: «هر مطلبی را گفتم، از من بپرسید که در کجای قرآن است تا آیه ی مربوط به آن موضوع را معرفی کنم.»

امام و مسابقه تیراندازی

هشام بن عبدالملک تصمیم گرفت امام باقر را به مسابقه تیراندازی فراخواند تا به واسطه ی شکست او در مسابقه، امام را در نظر مردم حقیر و کوچک جلوه دهد! به همین جهت پیش از ورود امام(علیه السلام) به قصر خلافت، عدّه ای از درباریان را واداشت نشانه ای نصب کرده مشغول تیراندازی گردند. امام باقر وارد مجلس شد و اندکی نشست. ناگهان هشام رو به امام کرد و گفت: آیا مایلید در مسابقه تیراندازی شرکت نمایید؟ حضرت فرمود: من دیگر پیر شده ام و وقت تیراندازی ام گذشته است، مرا معذور دار. هشام که خیال می کرد فرصت خوبی به دست آورده و امام باقر را با شکست مواجه ساخته است، اصرار و پافشاری کرد و وی را سوگند داد و همزمان به یکی از بزرگان بنی امیه اشاره کرد که تیر و کمان خود را به آن حضرت بدهد. امام(علیه السلام) دست برد و کمان را گرفت و تیری در چله کمان نهاد و نشانه گیری کرد و تیر را درست به قلب هدف زد! آن گاه تیر دوم را به کمان گذاشت و رها کرد و این بار تیر در چوبه تیر قبلی نشست و آن را شکافت! تیر سوم نیز به تیر دوم اصابت کرد و به همین ترتیب نُه

تیر پرتاب نمود که هر کدام به چوبه‌ی تیرِ قبلی خورد! این عمل شگفت‌انگیز، حاضران را به شدت تحت تأثیر قرار داد، اعجاب و تحسین همه را برانگیخت. هشام که حساب هایش غلط از آب درآمده و نقشه‌اش نقش بر آب شده بود، سخت تحت تأثیر قرار گرفت و بی اختیار گفت: آفرین بر تو ای اباجعفر! تو سر آمد تیر اندازان عرب و عجم هستی، چگونه می‌گفتی پیر شده‌ام؟! آن گاه سر به زیر افکند و لحظه‌ای به فکر فرو رفت. سپس امام باقر و فرزند برومندش امام صادق (علیه السلام) را در جایگاه مخصوص کنار خود جای داد و فوق العاده تجلیل و احترام کرد و رو به امام کرد و گفت: قریش از پرتو وجود تو شایسته سروری بر عرب و عجم است. این تیراندازی را چه کسی به تو یاد داده است و در چه مدتی آن را فرا گرفته‌ای؟ حضرت فرمود: می‌دانی که اهل مدینه به این کار عادت دارند، من نیز در ایام جوانی مدتی به این کار سرگرم بودم ولی بعد آن را رها کردم، امروز چون تو اصرار کردی ناگزیر پذیرفتم. هشام گفت: آیا جعفر نیز مانند تو در تیراندازی مهارت دارد؟ امام فرمود: ما خاندان، اکمال دین و اتمام نعمت را که در آیه «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ» آمده از یکدیگر به ارث می‌بریم و هرگز زمین از چنین افرادی خالی نمی‌ماند. اینک در میان سخنان اخلاقی و تربیتی آن امام معصوم، چهل حدیث برگزیده را که هر کدام رهنمودی پربها در جهت تعالی اخلاق و نزدیک شدن به خداست به جویندگانِ مکتبِ آن امام همام تقدیم می‌دارم.

چهل حدیث

اشاره

قَالَ الْإِمَامُ الْبَاقِرُ (عَلَيْهِ السَّلَام):

نافرجام و خوش انجام

«فَلَرَبَّ حَرِيصٍ عَلَى أَمْرِ مِنْ أُمُورِ الدُّنْيَا قَدْ نَالَ، فَلَمَّا نَالَ كَانَ عَلَيْهِ وَبَالًا وَشَقِيًّا بِهِ وَلَرَبَّ كَارِهِ لَأَمْرِ مِنْ أُمُورِ الْآخِرَةِ قَدْ نَالَ فَسَعَدَ بِهِ.» چه بسا حریصی بر امری از امور دنیا دست یافته و چون بدان رسیده باعث نافرجامی و بدبختی او گردیده است، و چه بسا کسی که برای امری از امور آخرت کراهت داشته و بدان رسیده، ولی به وسیله آن سعادت‌مند گردیده است.

بهترین فضیلت و برترین جهاد

«لَا فَضِيلَةَ كَالْجِهَادِ، وَلَا جِهَادَ كَمُجَاهَدَةِ الْهَوَى.»: فضیلتی چون جهاد نیست، و جهادی چون مبارزه با هوای نفس نیست.

استقامت بزرگ

«أَوْصِيكَ بِخَمْسٍ: إِنْ ظَلَمْتَ فَلَا تَظَلِّمْ وَإِنْ خَانُوكَ فَلَا تَخُنْ، وَإِنْ كُذِّبْتَ فَلَا تَغْضَبْ، وَإِنْ مُدِحْتَ فَلَا تَفْرَحَ وَإِنْ ذُمَّتَ فَلَا تَجْزَعُ.»: تو را به پنج چیز سفارش می‌کنم: ۱- اگر مورد ستم واقع شدی ستم مکن، ۲- اگر به تو خیانت کردند، خیانت مکن، ۳- اگر تکذیب کردند، خشمگین مشو، ۴- اگر مدحت کنند، شاد مشو، ۵- اگر نکوهشت کنند بیتابی مکن.

پذیرش سخن پاک

«خُذُوا الْكَلِمَةَ الطَّيِّبَةَ مِمَّنْ قَالَهَا وَإِنْ لَمْ يَعْمَلْ بِهَا.»: سخن طیب و پاکیزه را از هر که گفت بگیرید، اگرچه او خود، بدان عمل نکند.

زیبایی حلم با علم

«ماشيب شئى بيشتر از آنست كه احسن من حلم بعلم». چیزی با چیزی نیامیزد که بهتر از حلم با علم باشد.

کمال جامع انسانی

«الْكَمَالُ كُلُّ الْكَمَالِ الْتَفَقُّهُ فِي الدِّينِ وَالصَّبْرُ عَلَى النَّائِبَةِ وَتَقْدِيرُ الْمَعِيشَةِ». همه ی کمال در سه چیز است: ۱- فهم عمیق در دین، ۲- صبر بر مصیبت و ناگواری، ۳- و اندازه گیری خرج زندگانی.

سه خصلت نیکو

«ثَلَاثَةٌ مِنْ مَكَارِمِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ: أَنْ تَغْفُوَ عَمَّنْ ظَلَمَكَ، وَتَصِلَ مَنْ قَطَعَكَ، وَتَحْلُمَ إِذَا جُهِلَ عَلَيْكَ». سه چیز از مکارم دنیا و آخرت است: ۱- گذشت کنی از کسی که به تو ستم کرده است، ۲- پیوندی به کسی که از تو بریده است، ۳- و بردباری ورزی در وقتی که با تو به نادانی برخورد شود.

اصرار در دعا

«إِنَّ اللَّهَ كَرِهَ إِلْحَاحَ النَّاسِ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ فِي الْمَسْأَلَةِ وَأَحَبَّ ذَلِكَ لِنَفْسِهِ، إِنَّ اللَّهَ جَلَّ ذِكْرُهُ يُحِبُّ أَنْ يُسْأَلَ وَيُطَلَّبَ مَا عِنْدَهُ». خدا را بد آید که مردم در خواهش از یکدیگر اصرار ورزند، ولی اصرار را در سؤال از خودش دوست دارد، همانا خداوند - که یادش بزرگ است - دوست دارد که از او سؤال شود و آنچه نزد اوست طلب گردد.

فضیلت عالم بر عابد

«عَالِمٌ يُنْتَفَعُ بِعِلْمِهِ أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ أَلْفَ عَابِدٍ». دانشمندی که از علمش استفاده شود، از هفتاد هزار عابد بهتر است.

دو خصلت عالم

«لَا يَكُونُ الْعَبِيدُ عَالِمًا حَتَّى لَا يَكُونَ حَاسِبًا لِمَنْ فَوْقَهُ وَلَا مُحَقَّرًا لِمَنْ دُونَهُ». هیچ بنده ای عالم نباشد تا این که به بالا دست خود حسد نبرد و زیر دست خود را خوار نشمارد.

سه پاداش

«مَنْ صَدَقَ لِسَانُهُ زَكَا عَمَلُهُ، وَمَنْ حَسِنَتْ نِيَّتُهُ زِيدَ فِي رِزْقِهِ، وَمَنْ حَسُنَ بُرُّهُ بِأَهْلِهِ زِيدَ فِي عُمْرِهِ». هر که زبانش راست است کردارش پاک است، و هر که خوش نیت است روزی اش افزون است، و هر که با اهلس نیکی می کند به عمرش افزوده شود.

پرهیز از کسالت

«إِيَّاكَ وَالْكَسَلَ وَالصَّجَرَ فَإِنَّهُمَا مِفْتَاحُ كُلِّ شَرٍّ، مَنْ كَسَلَ لَمْ يُؤَدِّ حَقًّا وَمَنْ صَجَرَ لَمْ يَصْبِرْ عَلَى حَقٍّ». از کسالت و تنگدلی پرهیز که این دو کلید هر بدی باشند، هر که کسالت ورزد حقی را نپردازد، و هر که تنگدل شود بر حق شکیبا نبود.

بدترین حسرت در روز قیامت

«إِنَّ أَشَدَّ النَّاسِ حَسْرَةً يَوْمَ الْقِيَمَةِ عَبْدٌ وَصَفَ عَدْلًا ثُمَّ خَالَفَهُ إِلَىٰ غَيْرِهِ». پر حسرت ترین مردم در روز قیامت، بنده ای است که عدلی را وصف کند و خودش خلاف آن را عمل کند.

نتایج صله رحم

«صَلَّةُ الْأَرْحَامِ تُرَكِّي الْأَعْمَالَ وَتُنْمِي الْأَمْوَالَ وَتَدْفَعُ الْبُلُوَى وَتُسِّرُّ الْحِسَابَ وَتُنْسِي فِي الْأَجَلِ». صله ارحام، اعمال را پاکیزه گرداند و اموال را بیفزاید و بلا را بگرداند و حساب را آسان کند و اجل را به تأخیر اندازد.

نیکو گفتاری با دیگران

«قُولُوا لِلنَّاسِ أَحْسَنَ مَا تُحِبُّونَ أَنْ يُقَالَ لَكُمْ». به مردم بگویید بهتر از آن چیزی که خواهید به شما بگویند.

هدیه الهی

«إِنَّ اللَّهَ يَتَعَهَّدُ عَبْدَهُ الْمُؤْمِنَ بِالْبَلَاءِ كَمَا يَتَعَهَّدُ الْغَائِبُ أَهْلَهُ بِالْهَدْيَةِ وَيَحْمِيهِ عَنِ الدُّنْيَا كَمَا يَحْمِي الطَّبِيبُ الْمَرِيضَ». همانا خداوند بنده مؤمنش را با بلا مورد لطف قرار دهد، چنان که سفر کرده ای برای خانواده خود هدیه بفرستد، و او را از دنیا پرهیز دهد، چنان که طبیب مریض را پرهیز دهد.

راستگویی و ادای امانت

«عَلَيْكُمْ بِالْوَرَعِ وَالْإِحْتِهَادِ وَصِدْقِ الْحَدِيثِ وَآدَاءِ الْأَمَانَةِ إِلَىٰ مَنْ ائْتَمَنَكُمْ عَلَيْهَا بَرًّا كَانَ أَوْ فَاجِرًا، فَلَوْ أَنَّ قَاتِلَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ ائْتَمَنَنِي عَلَىٰ أَمَانَةٍ لَأَدَّيْتُهَا إِلَيْهِ». بر شما باد پارسایی و کوشش و راستگویی و پرداخت امانت به کسی که شما را امین بر آن دانسته، نیک باشد یابد. و اگر قاتل علی بن ابیطالب (علیه السلام) به من امانتی سپرد، هر آینه آن را به او بر خواهم گرداند.

تعریف غیبت و بهتان

«مِنَ الْغِيْبَةِ أَنْ تَقُولَ فِي أَخِيكَ مَا سَتَرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ، وَأَنَّ الْبُهْتَانَ أَنْ تَقُولَ فِي أَخِيكَ مَا لَيْسَ فِيهِ». غیبت آن است که درباره برادرت چیزی را بگویی که خداوند بر او پوشیده و مستور داشته است. و بهتان آن است که عیبی را که در برادرت نیست به او ببندی.

دشنام گو، مبعوض خداست

«إِنَّ اللَّهَ يُبْغِضُ الْفَاحِشَ الْمُتَفَحِّشَ». خداوند، دشنام گوی بی آبرو را دشمن دارد.

نشانه های تواضع

«الْتَوَاضُعُ الرِّضَا بِالْمَجْلِسِ دُونَ شَرْفِهِ، وَأَنْ تُسَلِّمَ عَلَىٰ مَنْ لَقِيتَ وَأَنْ تَتْرَكَ الْمِرَاءَ وَإِنْ كُنْتَ مُحَقًّا». تواضع و فروتنی آن است که (آدمی) به نشستن در آنجا که فروتر از شأن اوست راضی باشد، و این که به هر کس رسیدی سلام کنی، و جدال را وانهی گرچه بر حق باشی.

پاکدامنی، بهترین عبادت

«أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ عَفَّةُ الْبَطْنِ وَالْفَرْجِ»: بالاترین عبادت، عفت شکم و شهوت است.

نشانه شیعه واقعی

«ما شیعتنا إلا من اتقى الله وأطاعه»: شیعه ما نیست، مگر آن که تقوای الهی داشته باشد و خدا را فرمان برد.

ریشه گناه، نشاختن خداست

«ما عرف الله من عصاه»: خدا را نشاخته آن که نافرمانی اش کند.

عقل، بهترین مخلوق الهی

«لَمَّا خَلَقَ اللَّهُ الْعَقْلَ اسْتَنْطَقَهُ ثُمَّ قَالَ لَهُ: أَقْبِلْ فَأَقْبَلَ. ثُمَّ قَالَ لَهُ أَذْبِرْ فَأَذْبَرَ ثُمَّ قَالَ: وَعِزَّتِي وَجَلَالِي مَا خَلَقْتُ خَلْقًا هُوَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْكَ وَ لَا أَكْمَلْتُكَ إِلَّا- فِيمَنْ أَحَبُّ، أَمَا إِنِّي إِيَّاكَ أَمُرُ وَإِيَّاكَ أَنْهِي وَإِيَّاكَ أَعَاقِبُ وَإِيَّاكَ أُثِيبُ»: چون خداوند، عقل را آفرید از او بازپرسی کرد، به او گفت: پیش آی! پیش آمد. گفت: باز گرد. باز گشت. فرمود: به عزت و جلالم سوگند، مخلوقی را که از تو به بیشم محبوبتر باشد نیافریدم. و تو را تنها به کسانی که دوستشان دارم به طور کامل دادم. همانا امر و نهی و کیفر و پاداشم متوجه توست.

بر اساس عقل

«إِنَّمَا يُدَاقُ اللَّهُ الْعِبَادَ فِي الْحِسَابِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى قَدْرِ مَا آتَاهُمْ مِنَ الْعُقُولِ فِي الدُّنْيَا»: خداوند در روز قیامت در حساب بندگانش، به اندازه عقلی که در دنیا به آنها داده است، دقت و باریک بینی می کند.

مزد معلم و متعلم

«إِنَّ الَّذِي يُعَلِّمُ الْعِلْمَ مِنْكُمْ لَهُ أَجْرٌ مِثْلُ أَجْرِ الْمُتَعَلِّمِ وَلَهُ الْفَضْلُ عَلَيْهِ، فَتَعَلَّمُوا الْعِلْمَ مِنْ حَمَاهِ الْعِلْمِ وَعَلِّمُوهُ إِخْوَانَكُمْ كَمَا عَلَّمَكُمُوهُ الْعُلَمَاءُ»: آن که از شما به دیگری علم آموزد مزد او به مقدار مزد دانشجوست و از او هم بیشتر. از دانشمندان دانش فرا گیرید و آن را به برادران دینی خود بیاموزید، چنان که دانشمندان به شما آموختند.

گناه فتوا دهنده بی دانش

«مَنْ أَفْتَى النَّاسَ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى لَعْنَتُهُ مَلَائِكَةُ الرَّحْمَةِ وَمَلَائِكَةُ الْعَذَابِ وَ لِحَقِّهِ وَزُرُّ مَنْ عَمِلَ بِفُتْيَاهُ»: هر که بدون علم و هدایت به مردم فتوا دهد، فرشتگان رحمت و فرشتگان عذاب او را لعنت کنند و گناه آن که به فتوایش عمل کند دامنگیرش شود.

عالمان دوزخی

«مَنْ طَلَبَ الْعِلْمَ لِإِيْبَاهِي بِهِ الْعُلَمَاءُ، أَوْ يُمَارِي بِهِ السُّفَهَاءَ أَوْ يُصْرِفَ بِهِ وَجُوهَ النَّاسِ إِلَيْهِ فَلْيَتَّبِعُوا مَقْعِدَهُ مِنَ النَّارِ إِنَّ الرَّئِيسَةَ لَا تَصِلُحُ إِلَّا لِأَهْلِهَا»: هر که علم و دانش را جوید برای آن که بر علما ببالد یا با سفها بستیزد یا مردم را متوجه خود کند، باید آتش دوزخ را جای نشستن خود گیرد؛ همانا ریاست جز برای اهلس شایسته نیست.

سرنگونان جهنمی

«فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ «فَكُجِبُوا فِيهَا هُمْ وَالْغَاوُونَ» قَالَ: هُمْ قَوْمٌ وَصِفُوا عِدْلًا بِاللَّسَاتِنِ هُمْ ثُمَّ خَالَفُوهُ إِلَى غَيْرِهِ.» درباره ی آیه ی شریفه «فَكُجِبُوا فِيهَا هُمْ وَالْغَاوُونَ» یعنی: «اینها و گمراهان در دوزخ سرنگون گردند.» فرمود: ایشان گروهی باشند که عدالت را به زبان بستایند، اما در عمل با آن مخالفت ورزند!

غیر خدا را تکیه گاه نگیرید

«لَا تَتَّخِذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَليجَهَةً فَلَا تَكُونُوا مُؤْمِنِينَ فَإِنَّ كُلَّ سَبَبٍ وَنَسَبٍ وَقَرَابَةٍ وَوَلِيجَهَةٍ وَبِدْعَةٍ وَشُبُهَةٍ مُنْقَطِعٌ إِلَّا مَا أَتَيْتَهُ الْقُرْآنُ.» غیر خدا را برای خود تکیه گاه و محرم راز مگیرید که در آن صورت مؤمن نیستید، زیرا هر وسیله و پیوند و خویشی و محرم راز و هر گونه بدعت و شبهتی، نزد خدا، بریده و بی اثر است جز آنچه را که قرآن، اثبات کرده است. [و آن ایمان و عمل صالح است.]

نشانه های فقیه پارسا

«إِنَّ الْفَقِيهَ حَقَّ الْفَقِيهِ الْأَزْهَدُ فِي الدُّنْيَا، الْأَزْغَبُ فِي الْأَخْرَةِ أَلَمَّسَكَ بِسُنَّةِ النَّبِيِّ (صلى الله عليه وآله وسلم).» فقیه حقیقی، زاهد در دنیا، مایل به آخرت و چنگ زنده به سنت پیامبر اکرم (صلى الله عليه وآله وسلم) است.

شوخی بدون فحش

«إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يُحِبُّ الْمَلَاعِبَ فِي الْجَمَاعَةِ بِلا رَفَثٍ.» خدای عزوجل آن کس را که میان جمعی شوخی و خوشمزگی کند دوست دارد، در صورتی که فحشی در میان نباشد.

عذاب زودرس سه خصلت

«ثَلَاثٌ خِصَالٌ لَا يَمُوتُ صَاحِبُهُنَّ أَبَدًا حَتَّى يَرَى وَبِالْهَنْ: الْأَبْغَى، وَقَطِيعَةُ الرَّجِمِ وَالْيَمِينُ الْكَاذِبَةُ يُبَارِزُ اللَّهُ بِهَا.» سه خصلت است که مرتکبشان نمیرد تا وبالشان را ببیند: ستمکاری و از خویشان بریدن و قسم دروغ که نبرد با خداست.

مطلوب خدا

«مَا مِنْ شَيْءٍ أَفْضَلُ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مِنْ أَنْ يُسْأَلَ وَيُطَلَّبَ مِنْ عِنْدِهِ.» چیزی نزد خداوند عزوجل بهتر از این نیست که از او درخواست شود و از آنچه نزد اوست خواسته شود.

پافشاری در دعا

«وَاللَّهُ لَا يُبَاحُ عَبْدٌ مُؤْمِنٌ عَلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فِي حَاجَتِهِ إِلَّا قَضَاهَا لَهُ.» به خدا سوگند هیچ بنده ای در دعا پافشاری و اصرار به درگاه خدای عزوجل نکند، جز این که حاجتش را برآورد.

دعا کردن در سحر

«إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يُحِبُّ مَنْ عَابَدَهُ الْمُؤْمِنِينَ كُلَّ عَبْدٍ دَعَا فَعَلَيْكُمْ بِالْدُعَاءِ فِي السَّحْرِ إِلَى طُلُوعِ الشَّمْسِ فَإِنَّهَا سَاعَةٌ تُفْتَحُ فِيهَا أَبْوَابُ

السَّمَاءِ، وَ تُقَسَّمُ فِيهَا الْأَزْزَاقُ، وَ تُقْضَى فِيهَا الْحَوَائِجُ الْعِظَامُ.»: همانا خداوند عزوجل از میان بندگان مؤمنش آن بنده ای را دوست دارد که بسیار دعا کند، پس بر شما باد دعا در هنگام سحر تا طلوع آفتاب، زیرا آن ساعتی است که درهای آسمان در آن هنگام بازگردد و روزی ها در آن تقسیم گردد و حاجت های بزرگ برآورده شود.

دعا برای دیگران

«أَوْ شَكَ دَعْوَةً وَ أَسْرِعَ إِجَابَتَهُ دُعَاءُ الْمَرْءِ لِأَخِيهِ بِظَهْرِ الْعُيُوبِ.»: دعایی که بیشتر امید اجابت آن می رود و زودتر به اجابت می رسد، دعا برای برادر دینی است در پشت سر او.

چشم‌هایی که نمی‌گریند

«كُلُّ عَيْنٍ بَاكِئَةٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ غَيْرُ ثَلَاثٍ: عَيْنٌ سَاهَتْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ عَيْنٌ فَاضَتْ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ، وَ عَيْنٌ غَضَّتْ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ.»: هر چشمی روز قیامت گریان است، جز سه چشم: ۱- چشمی که در راه خدا شب را بیدار باشد، ۲- چشمی که از ترس خدا گریان شود، ۳- و چشمی که از محرمات الهی بسته شود.

حریص همچون کرم ابریشم

«مَثَلُ الْحَرِيصِ عَلَى الدُّنْيَا مَثَلُ دُودَةِ الْقَزِّ، كُلَّمَا أزدَادَتْ مِنَ الْقَزِّ عَلَى نَفْسِهَا لَفًا كَانَ أَبْعَدَ لَهَا مِنَ الْخُرُوجِ حَتَّى تَمُوتَ عَمًّا.»: شخص حریص به دنیا، مانند کرم ابریشم است که هر چه بیشتر ابریشم بر خود می پیچد راه بیرون شدنش دورتر و بسته تر می گردد، تا این که از غم و اندوه بمیرد.

دو رویی و دو زبانی

«بِئْسَ الْعَبْدُ عَبْدٌ يَكُونُ ذَاوَجْهَيْنِ وَ ذَالِسَانَيْنِ، يُطْرَى أَخَاهُ شَاهِدًا وَ يَأْكُلُهُ غَائِبًا، إِنْ أُعْطِيَ حَسَدَهُ وَ إِنَابْتُلِيَ خَذَلَهُ.»: بد بنده ای است آن بنده ای که دو رو و دو زبان باشد، در حضور برادرش او را ستایش کند، و در پشت سر، او را بخورد! اگر دارا شود بر او حسد برد و اگر گرفتار شود، دست از یاری او بردارد.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه

الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳-۲۳۵۷۰۲۳ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

